

## The Method of Creating a Social-cultural Transformation Inspired by the Goals of the Qur'an in the Course of Descent

*Abdulkarim Bahjatpour \**

Associate Professor, Department of Quranic Studies, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran

(Received: November 30, 2018; Accepted: August 1, 2019)

### Abstract

At book of God the Wise, 29 aims have been counted for the Quran. Studying the aims becomes possible considering their repetition in Quran's verses, the type of audiences of the verses, the way they have been distributed throughout the Chapters their purposes the periods of the development of the society of believers. This article examines the developmental educational results of the distribution of verses at early period after the advent of Islam; when the prophet (May God Send Peace on Him) had publicized his invitation but Muslims were still living in secret. Present research follows the style of interpretation that is based on the time of descent of the verses. Change starts with the statement of the harmony of Quran with innate needs. When faced with change, people are divided into 2 groups. The majority of them fall within the stream that resists change the minority of them are in the group that join the change. The position of the first group must be changed via resorting to warnings threats via frightening them. This can also be done through responding to their doubts. The second group must be guided toward growth perfection via explaining different issues to them providing them with responses to the doubts of the opponents. Also their confidence in reaching their inherent natural desires must be preserved. Meanwhile, if the leader's executors of change stay firm on the path toward reform, they will be sure that Divine laws will help them support them. In this path, they will find themselves accompanying the revolutionaries throughout history will be sure to reach Divine rewards, salvation prosperity. Aim of Quran at first phase of revelation of the Chapters is to make people reach such valuable.

**Keywords:** Quranic goals, Religious evolution, Quranic upbringing, Tenderness interpretation, Surrender order, Qur'anic transformation methods.

---

\* **Corresponding Author:** [abp114@yahoo.com](mailto:abp114@yahoo.com)

فلسفه دین، دوره ۱۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹  
صفحات ۳۶۱-۳۹۲ (مقاله پژوهشی)

## روش ایجاد تحول فرهنگی - اجتماعی با الهام از اهداف قرآن در سیر نزول

عبدالکریم بهجت پور\*

دانشیار گروه قرآن پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۰)

### چکیده

در علوم قرآن ضمن مباحث مربوط به نزول قرآن، از اهداف قرآن بحث می‌شود. در کتاب خدای حکیم، ۲۹ هدف برای قرآن شمرده شده است؛ مطالعه اهداف با توجه به تکرار بیان آنها در آیات قرآن، نوع مخاطبان آیات، کیفیت توزیع در سور و اغراض آنها و دوره‌های رشد اجتماع مؤمنان امکان ارزیابی دارد. این پژوهش از جنبه مدیریتی، پژوهشگران را در شناخت روش‌های آغاز شکل‌گیری پدیده تحول و گسترش آن در اجتماع مساعدت می‌کند. در این مقاله نتایج تحولی و تربیتی توزیع آیات در دوره ابتدای ظهور اسلام (که پیامبر دعوت خود را علنی کرده بودند، اما مسلمانان در خفا به سر می‌بردند) بررسی می‌شود. با عنایت به ارتباط سؤال پژوهش با سیر نزول آیات اهداف قرآن، پژوهش مذکور به سبک تفسیری تنزیلی صورت گرفته است. کلید تحول با بیان هماهنگی قرآن با نیازهای فطری زده می‌شود. مردم در برابر تحول، به دو جریان اکثریت مقاوم در برابر تغییر و تحول و اقلیت همگام با تحول تقسیم می‌شوند. برای تغییر موضع گروه اول باید بر موضع هشدار و تهدید و ترهیب پافشاری کرد و به شبهات آنها پاسخ داد، اما درباره گروه دوم باید هدایت آنها در مراتب رشد و کمال را، از دو راه تبیین مسائل و پاسخ به شبهات معارضان پیگیری کرد. همچنین به وصول به خواست‌های ذاتی و فطری دلگرم نگه داشت. در این میان رهبران و مجریان تحول نیز، با اطلاع از سنت‌های الهی در حمایت قطعی از خود و همراه دیدن خود با صف تحول‌گران تاریخ و اطمینان از نجات و رستگاری و پاداش‌های الهی در صورت باقی ماندن بر راه اصلاح‌گری مطمئن می‌شوند. اهداف قرآن در مرحله اول، نزول سوره‌ها این معارف ارزشمند را به دنبال دارد.

### واژگان کلیدی

اهداف قرآن، تحول دینی، تربیت قرآنی، ترتیب نزول، تفسیر تنزیلی، روش‌های قرآنی تحول.

## مقدمه

هدف و مقاصدی که در قرآن پیگیری شده‌اند، یکی از مسائل راهگشا در شناخت بهتر و اثربخش قرآن است؛ این مطلب از آنجا اهمیت می‌یابد که به انضمام توجه به سیر تدریجی نزول آنها، پژوهشگر را در شناخت رویکردها و روش‌های تحول مردم در پرتو آموزه‌های قرآن یاری می‌کند. گروهی از دانشمندان علوم قرآنی به این مسئله توجه کرده‌اند و در بحث‌های قرآن‌شناخت در این زمینه بررسی‌های اجمالی یا تفصیلی داشته‌اند (رک: رشاد، ۱۳۹۶، ج ۲: ۷۰ - ۴۶).

## بیان مسئله و روش علمی

دعوت اسلام مراحل از رشد و تکامل را پیمود و خدای حکیم به تناسب هر مرحله، سور و آیاتی از قرآن را فرفرستاد. قرآن در سیری حکیمانه نازل شده و آیات بر پایه همین سیر در قرآن توزیع شدند (رک: بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ۸۴ - ۷۷). از این رو انتظار وجود نظام یا امکان استنباط نظام‌واره آیات مرتبط با موضوعات پژوهش، از ترتیب قرار گرفتن آنها در سوره‌ها، دور از ذهن نیست. بیست‌ونه هدف قرآن در سرتاسر سُور قرآن توزیع شده‌اند که بخش شایان توجهی از آن به آغاز رسالت پیامبر (ص) مربوط هستند. حکمت توزیع آیات بیانگر اهداف در دوره اول دعوت (مجموعه ۵۴ سوره از علق تا حجر) و پیام روشی و تربیتی این توزیع چیست؟ چرا تنها برخی از اهداف قرآن در این دوره بیان شده‌اند؟ و به چه دلیل در ترتیب و چینش موجود در سوره‌ها قرار گرفته‌اند؟ پاسخ به این سؤالات محقق را یاری می‌کند تا با تحلیل درست سیر نزول آیات اهداف، روش‌های تحول‌آفرین این کتاب بزرگ و حکیمانه الهی را بشناسد و به‌منظور ایجاد تحول در شرایط مشابه به‌کار گیرد. این مطالعه در گرو بررسی آیات اهداف در سیر نزول است.

## منطق انتخاب آیات مربوط با اهداف قرآن

آیاتی که قرآن و اهدافش را می‌شناسانند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: برخی با عباراتی معرف، اوصاف این کلام را بیان کرده‌اند؛ همچون «فَدَرْنِي وَمَنْ يُكذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ» (قلم:

۴۴). این دسته آیات غالباً ظرفیت درونی قرآن را نشان می‌دهند؛ اما به علت این ظرفیت توجه نمی‌دهند؛

دسته دیگر با استفاده از عباراتی مصدری یا لام غایت و علت، از اهداف قرآن یاد کرده‌اند. بدیهی است که این دسته از آیات به دلالت مطابقی و با صراحت یا به دلیل تضمینی و ظهور، محقق را در تشخیص اهداف قرآن یاری می‌دهند. این پژوهش بر مدار آیات دسته دوم شکل گرفته است و تنها از عباراتی که در تبیین اهداف قرآن نص یا ظهور دارند، استفاده شده است. این دسته آیات خود دو گونه‌اند: برخی همچون «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹) به صراحت به اهداف کلان و خرد قرآن اشاره کرده‌اند و برخی همچون «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (ص: ۸۷) به ثمره قسمتی یا تمامی آیات قرآن توجه داده‌اند.

#### رابطه آیات اهداف با سیر تحول دعوت دینی

در شناخت و تحلیل اهداف نزول قرآن، رابطه میان نزول آیات اهداف با سیر تحول مخاطبان اول دعوت اسلامی بسیار مهم است. دعوت پیامبر اکرم (ص) نقش مؤثری بر مردم مباشر دعوت وی در مکه و سپس مدینه داشت. مرحله اول زمانی بود که ایشان دعوت خود را به‌تنهایی آشکار کردند و مردم معاصر خود را به واکنش واداشتند، گروهی اسلام را پذیرفتند؛ اما از بیم قوم، عشیره و خانواده، تغییر عقیده خود را ابراز نمی‌کردند؛ گروه دومی در برابر تغییر مقاومت کردند. سپس این مسلمانان تقویت شدند و در مکه فرصت ابراز عقیده پیدا کردند. در این مرحله که مرحله دوم در مکه است، اجتماع مکه دوقطبی شد و مسلمانان همچون گروه کوچکی در برابر مشرکان مکی، حضور اجتماعی یافتند. پس از هجرت به مدینه و با استقبالی که مدینه از مهاجران مسلمان کرد، اجتماع غالب را تشکیل دادند؛ در مرحله سوم بود که ایشان توانستند جامعه مستقری در مدینه شکل دهند. البته در این شرایط اقلیت‌های مشرک و غیرمسلمان حضور داشتند و گروهی از آنها با پنهان کردن چهره، راه نفاق در پیش گرفتند و در صدد آسیب زدن به اجتماع مسلمانان یا جلوگیری از تحقق اهداف دینی و حتی شکل‌گیری جامعه ایمانی بودند؛ سپس

مسلمانان پا به مرحله چهارم گذاشتند. در این مرحله پیامبر و مسلمانان برای تداوم دعوت و تشکیل امت اسلامی مأموریت یافتند و نسبت به گروه‌های مختلف همزیست با مسلمانان و کیفیت مراقبت از آنها توجیه شدند (رک: فتح: ۲۹ و بهجت‌پور، ۱۳۹۴ الف: ۵۲۰ - ۵۲۳ و بهجت‌پور، ۱۳۹۴ ب: ۲۴۸ - ۲۵۰). آیات قرآن و به تبع آن آیات اهداف قرآن، ناظر به این تحولات و پیشرفت نازل شدند و پیامبر و مسلمانان را درباره خود و نیز نحوه مواجهه با جریان‌ات معاند، مخالف، و نفوذی‌های داخل در اجتماع مسلمانان توجیه کرد. از این رو لازم است به منظور تحلیل درست اهداف و حکمت‌های نهفته در توزیع آنها، آیات اهداف از این منظر بررسی شوند. بنا بر آیه ۲۹ سوره فتح، پیروان پیامبر در سیر تحول اصالت داشتند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ ... وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ ...» اما رهنمودهای لازم به پیامبر و نیز توجه به جریان‌های مخالف و گاه معاند و تلاش برای پاسخ به شبهات آنها و برخورد با اقدامات ناشایست ایشان، از لوازم حکیمانه پیشبرد برنامه تحول اجتماع مسلمان به شمار می‌رفت.

مطالعه سور و آیات قرآن در ظرف ترتیب نزول روشن می‌کند مجموعه آیاتی که تصریح یا ظهور در تبیین اهداف قرآن دارند، بالغ بر ۱۳۴ مورد هستند. برابر آنچه از اهداف قرآن به دست می‌آید، در هر یک از چهار مرحله تحول پیروان پیامبر، اهدافی از قرآن بیان شده که بسامد آنها متفاوت است. پنجاه و یک بار از اهداف قرآن در مرحله اول دعوت پیامبر اکرم (ص) حد فاصل سوره‌های علق تا حجر (سوره‌های ۱ تا ۵۴ در سیر نزول)، ۵۳ بار در مرحله دوم (حد فاصل سوره‌های انعام، نزل ۵۵، تا مطففین نزول ۸۶) - مجموعاً ۱۰۴ بار در مکه - ۲۳ بار در مرحله سوم (حد فاصل سوره‌های بقره نزول ۸۷، تا فتح نزول ۱۱۲) و ۴ بار در مرحله چهارم (حد فاصل سوره‌های مائده نزول ۱۱۳ و توبه نزول ۱۱۴) - مجموعاً ۲۷ بار در مدینه - از سیر نزول قرآن، به اهداف قرآن توجه شده است.

با این مقاله در صدد بررسی آیات مرتبط با اهداف نزول قرآن در مرحله اول خواهیم بود؛ زمانی که پیامبر به‌طور علنی دعوت خود را آشکار کرد، ولی سنگینی فضای اجتماعی و جاهلیت مسلط در مکه، مانع علنی شدن ابراز ایمان مردم بود.

نمایه اهداف قرآن همگام با آغاز پدیده تحول در اجتماع معاصران نزول قرآن

ردیف	نام سوره	ترتیب نزول	شماره آیه	نمایه هدف
۱	قلم	۲	۵۲	تنها ذکر برای جهانیان
۲	مدثر	۴	۳۷ - ۳۵	هشداردهنده بشر
۳	ق	۳۴	۵۰	ابزار تذکر به افراد ترسنده از تهدیدها
۴	قمر	۳۷	۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰	آسان شده برای تذکر
۵	ص	۳۸	۲۹	زمینه‌ساز تدبیر کافران و تذکر صاحبان خرد
۶	اعراف	۳۹	۲	ابزار پیامبر برای انذار مردم و تذکر به مؤمنان
۷	اعراف	۳۹	۵۲	هدایت و رحمت برای قوم ایمان‌ورز
۸	اعراف	۳۹	۱۷۴	زمینه‌ساز بازگشت مشرکان از مسیر اشتباه
۹	اعراف	۳۹	۱۷۶	زمینه‌ساز شکوفایی تفکر مشرکان تکذیب‌گر
۱۰	اعراف	۳۹	۲۰۳	بصیرت‌افزای عموم مشرکان و هدایت و رحمت برای قوم ایمان‌ورز
۱۱	جن	۴۰	۲	هدایت به رشد
۱۲	یس	۴۱	۵ - ۶	توانا کردن پیامبر برای هشدار قومی گرفتار غفلت دیرینه
۱۳	یس	۴۱	۶۹ - ۷۰	ابزار پیامبر برای هشدار زنده‌دلان و اتمام حجت با کافران
۱۴	فرقان	۴۲	۱	ابزار پیامبر برای هشدار جهانیان در سایه قابلیت فرقانی قرآن
۱۵	فرقان	۴۲	۳۱ - ۳۱ و ۵۲	تثبیت قلب پیامبر و پاسخ به شبهات کافران و وسیله مجاهدت علیه آنها
۱۶	مریم	۴۴	۹۷	ابزار پیامبر برای بشارت متقیان و هشدار به قوم لجوج
۱۷	طه	۴۵	۱۱۳	زمینه‌ساز متقی شدن مردم و هشدار به قوم لجوج
۱۸	شعراء	۴۷	۱۹۲ - ۱۹۵	توانا کردن پیامبر برای هشدار دیگران با زبانی فصیح و رسا
۱۹	نمل	۴۸	۱ - ۳	هدایت و بشارت مؤمنانی با سه ویژگی اقامه نماز، پرداخت زکات و یقین به آخرت
۲۰	نمل	۴۸	۷۶ - ۷۷	رفع اختلاف‌های بنی‌اسرائیل و هدایت و رحمت مؤمنان
۲۱	قصص	۴۹	۵۱	پند گرفتن مشرکان از راه ارسال پیوسته قرآن
۲۲	اسراء	۵۰	۹ - ۱۰	بشارت مؤمنان به پاداش بزرگ و هشدار ناباوران رستخیز به عذاب
۲۳	یونس	۵۱	۵۷ - ۵۸	موعظه و شفای عموم مردم و هدایت و رحمت برای مؤمنان
۲۴	هود	۵۲	۱۲۰	تثبیت قلب پیامبر و موعظه و تذکر مؤمنان
۲۵	یوسف	۵۳	۱۱۱	هدایت و رحمت مؤمنان

### بسامد آیات اهداف و تحلیل فرایندی اهداف قرآن در مرحله اول تحول جامعه

آیات مستخرج در جدول نمایه آیات اهداف در مرحله اول روشن می‌کند که در این مرحله ۵۱ بار تعدادی از اهداف قرآن به تدریج بیان شده‌اند. اهداف یادشده در هجده سوره از مجموع ۵۴ سوره مرحله اول، در تحول دینی مردم قرار گرفته‌اند: تذکر دوازده بار، هشدار ده بار، زمینه‌ساز تدبیر یک، هدایت هفت و رحمت شش بار، زمینه‌ساز بازگشت از راه خطا، زمینه‌سازی شکوفایی تفکر و اتمام حجت یک بار، تثبیت قلب پیامبر دو بار، پاسخ به شبهات و وسیله مجاهدت پیامبر با کافران یک بار، وسیله بشارت متقیان سه، رفع اختلافات یک، موعظه دو، شفا یک و بصیرت‌افزایی یک بار به‌عنوان اهداف قرآن بیان شده‌اند. در مرحله اول پرشمارترین اهداف - به ترتیب تعداد - عبارتند از: ذکر، هشدار، هدایت، رحمت و بشارت، موعظه و دیگر اهداف تنها یک بار وارد شده‌اند.

### گزارش و توصیف آیات اهداف در مرحله اول

در این بخش به بررسی آیات مذکور، توصیف آنها و در نهایت، تحلیل این اهداف پرداخته خواهد شد:

#### هماهنگی با آرمان‌های بشر

«وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (قلم: ۵۲)<sup>۱</sup>

توصیف قرآن به‌عنوان «تنها ذکر برای جهانیان»، مشعر به علت نزول است. یعنی قرآن نازل شد تا ذکر برای جهانیان باشد. چرا خدای حکیم اولین ویژگی قرآن را ذکر بودن برای جهانیان شمرد؟ و به عبارتی هدف خود را یادآوری به مخاطبان ذکر کرد؟ انسان‌ها و دیگر موجودات مختار تمایل دارند شخصیتی به‌کمال رسیده داشته باشند و در سایه آن، از رنج‌ها فاصله گیرند و به بهره‌ها و لذت‌های خالص و پایدار دست یابند؛ یعنی رستگار شوند و به سعادت دست یابند. از آنجا که قرآن پاسخگوی نیازهای فطری بشر خواهد بود، مطابق

۱. قرآن جز تذکر برای جهانیان نیست.

نیازهای بشر بوده و به انسان و نیازهای وی برای تأمین رستگاری و سعادت توجه شده است. هدف یادشده گسترده‌ترین و کلان‌ترین هدف قرآن محسوب می‌شود. بیان این هدف در آغاز نزول قرآن و با عبارتی که انحصار قرآن را در این هدف می‌رساند، نشان از آن دارد که دیگر اهداف قرآن، ذیل این هدف تحلیل می‌شوند؛

### بیداری کلید تحول

«إِنَّهَا لَأَحَدِي الْكُبْرَى؛ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ؛ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَّقِدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ» (مدثر: ۳۵ - ۳۷) <sup>۱</sup>

کلید ذکر و یادآوری کمال انسان، در بیداری است و تا انسان از خواب غفلت بیدار نشود، قادر به آغاز حرکت تکاملی نخواهد بود. از این رو هشدار به‌منظور بیداری، اولین رسالت پیامبران و کتب آسمانی محسوب می‌شود. این هدف با آغاز دعوت پیامبر و مأموریت او هماهنگ است. افزون بر آن این هدف، با هدف نزول سوره، یعنی توجیه پیامبر (ص) دربارهٔ ابلاغ هشدار به مردم به‌وسیلهٔ قرآن، (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۷۴) تناسب کامل دارد. قرآن در زمانی که پیامبر باید به هشدار اقدام می‌کرد، از راه نزول محتوای هشدار و آسیب‌شناسانه در غالب آیات سورهٔ مدثر و دیگر سوره‌ها نازل شده پس از آن، همچون مسد، تکویر، اعلی، لیل، فجر، عصر و ... به‌طور عمده رنگ هشدار گرفت تا این هدف به شیوهٔ شایسته‌ای تأمین شود. این برداشت در صورتی است که مراد از ضمیر در «إِنَّهَا» قرآن باشد؛ چنانکه برخی تفاسیر احتمال داده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۹۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۹۵)؛

### قرآن ابزار رهبران برای بیدار کردن ذهن و دل انسان‌های آماده

«نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعَبِدِ» (ق: ۴۵) <sup>۲</sup>

---

۱. «قطعاً قرآن یکی از نشانه‌های بزرگ است که به مردم هشدار می‌دهد. چه آنها که بخواهد پا پیش گذاشته و ایمان بیاورند و یا آنکه عقب بکشند و از ایمان به پروردگار منصرف شوند».

۲. ای پیامبر! ما به آنچه معارضان می‌گویند داناتریم و تو بر آنها گماشته‌ای که با قهر بر آنها غلبه کند، نیستی. به‌وسیله قرآن، مشغول پند و اندرز به کسانی باش که از تهدیدهای من می‌ترسند.



هدف مذکور در آیه، هدفی ابزاری است؛ قرآن را ابزار تذکر پیامبر (ص) می‌شمرد. چگونه پیامبر به آمال بشر پاسخ می‌دهد؟ تذکر و بیدار کردن ذهن و دل خفته بشر، یکی از وظایف پیامبر و کسانی است که در جایگاه وی نشسته‌اند.

قرآن ابزار هشدار بوده راه نجات از شقاوت و وصول به سعادت را ترسیم می‌کند که خواست ذاتی بشر است. اما این ابزار در همه موارد کارآمدی ندارد؛ بلکه تا زمانی که افراد آمادگی لازم را نداشته باشند، با تذکرات پیامبر حتی با استفاده از آیات قرآن بیدار نمی‌شوند. این امر به بیداری و هوشیاری نیاز دارد. در سوره‌های قلم و مدثر زمینه‌های این آمادگی فراهم شد. در اینجا فرض بر آن است که در گروهی از مردم، این آمادگی تحقق یافته و آنها با نگرانی از وعید الهی و هشدارها آماده شده‌اند که راه خود را به‌سوی رستگاری و سعادت ببیمایند.

خدای متعال در سوره «ق» ضمن آنکه پیامبر را به رویگردانی از تداوم تذکر به کافران روز قیامت سفارش می‌کند، به وی دستور می‌دهد کسانی را که از وعیدهای الهی، ترس به دل راه داده‌اند، متذکر فریاد درویشان کند. این دستور به این معنا نیست که هشدار به مطلق کافران تمام شده، بلکه منظور این است که دعوت کافران از راه هشدار وعده‌های عذاب اخروی به کافرانی که ایمان به رستاخیز ندارند، فایده ندارد و باید از موضوع دیگری برای اثربخش شدن دعوت بر آنها (مثل دعوت به ربوبیت الهی یا تهدید به عذاب‌های دنیوی) استفاده کرد؛

#### قرآن بیدارکننده انسان‌های آرمانخواه

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (قمر: ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰)<sup>۱</sup>

با اینکه گروهی از مردم به دعوت پیامبر پاسخ مثبت داده بودند؛ هنوز کسانی بودند که هشدارها را جدی نگرفتند. در سوره قمر مطالب بلندی درباره تنبیهات الهی

۱. «و قطعاً قرآن را برای پندآموزی مردم آسان کرده‌ایم، آیا پندگیرنده‌ای هست تا برای گرفتن پند سراغ این متن بیاید؟»

تکذیب‌کنندگان دعوت انبیا بیان شده و گزارش این ماجراها را، با نقش یادآورانه قرآن پیوند داده است.

در بخشی از سوره قمر داستان برخی از اقوام که با سرکشی در برابر دعوت پیامبران هلاک شدند، یادآوری می‌شود و قرآن با بیان عذاب دنیوی اقوام سرکش گذشته، مخاطبان قرآن را متذکر واقعیات می‌کند؛ بلکه مردم سرکش و کافر از این ماجرا درس گیرند و دچار سقوطی مشابه هلاکت آنها نشوند. در آیات مورد بحث، بر نقش مستقیم قرآن در تذکر مطالبی که مانع سرکشی انسان‌ها می‌شود، تأکید شده است.

حکمت حذف نقش پیامبر (ص) در عرصه تذکر موضوع این آیات، آن بود که مخالفان در این مرحله دعوت، رسالت پیامبر را منکر بودند و در برابر او سرکشی می‌کردند. از این رو خدای متعال این‌گونه تذکرات قرآن را به‌طور مستقیم به‌عنوان وسیله‌ای برای دفاع از کرامت پیامبر و در مقام نهی از انکار آن حضرت قرار داد.

با این تحلیل، مخاطب آیه کافران سرکشی شدند که از پذیرش رسالت آن حضرت سر باز می‌زدند. این مطلب نشان می‌دهد که خدای حکیم به‌مجرد مقاومت گروهی از مخاطبان در برابر دعوت دینی، آنها را به‌طور کلی از حساب دعوت کنار نزد، بلکه موضوع و روش دعوت آنها را متفاوت کرد؛

#### قرآن متنی در خدمت عاقبت‌اندیشی کافران و عامل تذکر به خردورزان

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص: ۲۹)<sup>۱</sup>

به تدریج و با پیشرفت تبلیغ دین، مخاطبان دعوت پیامبر به دو گروه تقسیم شدند: گروهی اهل عناد و لجاج و گروهی اهل خردورزی. موافق آیه، قرآن برای هر دو گروه پیام دارد. گروه اول را به عاقبت‌اندیشی دعوت می‌کند. این گروه که در مرز انکار و نادیده گرفتن حقیقت قرار دارند، باید در عاقبت انکار خود و معارضه با کلام حکیمانه الهی

۱. «کتاب خود را بر تو نازل کرده‌ایم که متنی پربرکت و دائم‌الخیر است تا کافرانی که تردید در نزول آن بر تو دارند، در محتوای آن تدبیر کنند. و صاحبان خرد متذکر شوند.»

اندیشه کنند، شاید قلبشان به راه آید و از معارضه دست کشند. اما گروه خردورز را باید با هماهنگ دیدن مطالب قرآن با آرزوهای ذاتی آنها و اینکه قرآن راه شقاوت را بسته است و مسیر سعادت را به روی انسان باز می‌کند (و این دقیقاً همان است که هر خردورزی در پی آن خواهد بود) بیدار کرد. اهل تأمل در آیات قرآن از هر یک از این دو دسته، پاسخ سؤالات خود را در قرآن می‌یابند.

ترکیب دو هدف تدبر و تذکر برای کافران صاحبان خرد معنایی حکیمانه دارد. از مهم‌ترین رویکردهای قرآن، بازگرداندن بشر منحرف به فطرت است. فطری بودن دین به معنای هماهنگی آموزه‌ها با نیازهای فطری خواهد بود. تدبر، دیدن تدبیر و نظام معقول و حقیقت در ورای مطالب قرآن است. دیدن حقیقت ورای آیات، موجب می‌شود موانع و حجاب‌های عقلی برطرف شوند و آمادگی بازگشت به حقایق روحی و خواست‌های ذاتی فراهم شود و انسان آمادگی پیدا کند که در مرحله بعد، به تناسب مطالب قرآن با خواست‌های ذاتی خود واقف شود و در مسیر اصلاح قرار گیرد؛

#### انذار عموم مردم و تذکر به مؤمنان

«كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۲)<sup>۱</sup>

به تدریج افرادی وارد خیمه اسلام شدند که به پروردگار معرفت پیدا و رسالت پیامبر را باور کردند و در برابر اوامر خدا و دعوت پیامبر تسلیم شدند. این گروه به اطاعت، عبادت و استعانت پروردگار روی و به معارف و دستورات صادر شده ایمان آوردند و به تدریج جمعیتی را تشکیل دادند که اطلاق لفظ مؤمنان بر آنها مناسب بود و بخش‌های مهمی از مطالب سوره اعراف متوجه این گروه شد. این سوره یکی از اساسی‌ترین سوره قرآن در سیر تکاملی مؤمنان محسوب می‌شود؛ زیرا درباره مؤمنانی که هویت جمعی یافته‌اند، در این برهه از رشد و پیشرفت سخن گفته است.

۱. «ای پیامبر! تکلیف واجبی در قالب سوره اعراف بر تو نازل کردیم؛ پس مبدا از آن احساس دلتنگی کنی. غرض ما از نزول این سوره، انذار مکیان و پند مؤمنان از سوی توست.»

توصیه پیامبر(ص) به ترک دلتنگی به این دلیل است که وی در این سوره، باید مشرکان را به چالش کشاند و پایه‌گذار جامعه دینی بر محور ولایت توحیدی و اجتناب مؤمنان از ولایت دیگران باشد؛ این امر خود نیازمند مراقبت دائم و شکیبایی رهبر و مردم است و بر اساس داستان بنی اسرائیل، افت‌وخیزهای فراوانی دارد. روش ویژه رهبر امت اسلامی در این مرحله، خواندن مردم به ولایت خدا و بیم دادن آنها از پذیرش ولایت غیراوست، زیرا این آسیب می‌تواند مؤمنان را از میانه راه منحرف و تلاش‌های ایشان را بی‌ثمر کند.

در سیر نزول قرآن، خدای سبحان برای اولین بار و به‌صراحت از هدفی درباره مؤمنان سخن گفته است. تاکنون اهداف قرآن درباره عموم مردم مکه (که نوعاً مشرک بودند) بیان شد، اما در این سوره از تذکر به مؤمنان نیز یاد شده است.

#### هدایت و رحمت برای قوم ایمان‌ورز

«وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۵۲)<sup>۱</sup>

هدایت و رحمت به قوم مؤمن، اولین بار است که در ترتیب نزول مورد توجه قرار می‌گیرد. آیه در مقام انتقاد از کافران مکی است، یعنی آنان که منکر قرآن بودند (اعراف: ۵۰ - ۵۱). آیه بیان می‌کند که محتوای قرآن خود گواه بر حقانیت و درستی خود است و برای طالبان حقیقت، نقطه ابهامی باقی نمی‌گذارد. کافران با کتاب و مجموعه‌ای از آیات الهی مواجه هستند که تفصیل آن از الهی بودن و درستی مطالبش پرده برمی‌دارد.

نزول تدریجی و جداسازی آیات کتاب، دو هدف هدایت و رحمت را در بین مؤمنان تعقیب می‌کند؛ به این معنا که اهل ایمان از تفصیلات تدریجی آیات، راه درست را می‌شناسند و رحمت الهی را به‌دست می‌آورند؛ زیرا نزول تدریجی و تقطیع‌شده مطالب، زمینه‌های جامعه‌پذیری و درونی ساختن آنها را فراهم می‌کند و برای این جمعیت، هدایت همراه با رحمت را به ارمغان می‌آورد.

---

۱. «و در حقیقت، ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش، روشن و شیوایش ساخته‌ایم، و برای گروهی که ایمان می‌آورند، هدایت و رحمتی است.»

هدایت در ذات خود رحمت الهی را به دنبال دارد. قوم مؤمن با دریافت روشنی که از حقیقت امور پیدا می‌کنند و تشخیص روشنی که از انحراف کافران و اقوام نابودشده یا آسیب‌هایی که جوامعی مثل بنی‌اسرائیل با آن مواجه شدند، حقیقت راه را می‌یابند و به رحمت که اساس اراده خدا از آفرینش انسان است (هود: ۱۱۹) دست می‌یابند.

### تلاش برای بازگشت کافران از مسیر اشتباه

«وَكذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (اعراف: ۱۷۴)<sup>۱</sup>

گرچه برخی افراد با سیر هدایت همراهی نمی‌کنند، اما دعوت این گروه تا زمان اتمام حجت برای بازگرداندن آنها، از راه تذکر اقوام گذشته و ترغیب به عاقبت‌اندیشی ادامه دارد. در آیه مذکور، هدف قرآن بازگرداندن مشرکان از راه خطا و انحراف در فطرت توحیدی معرفی می‌شود.

«کذلک» شاید به آیات پیش گفته در سوره اعراف اشاره داشته باشد که برخی از قطعات تاریخی را درباره ابلیس، آدم، اقوامی چون لوط، بنی‌اسرائیل و ... گوشزد کرد، به‌ویژه آیات اخیر که درباره عالم «ذر» گزارش‌هایی می‌داد. بنا بر آیه توحید ربوبی (آیه ۱۷۲) درکی درونی و ذاتی در جان انسان‌ها دارد و تربیت خانوادگی یا اجتماعی توجیهی برای شرک یا کفر در ربوبیت خدا و پذیرش انحصار مالک مدبر به خدای متعال نیست (بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۵۵۵ - ۵۵۸).

### زمینه‌ساز شکوفایی تفکر مشرکان تکذیب‌گر

«وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف ۳۹: ۱۷۶).<sup>۲</sup>

۱. «و این‌گونه آیات [خود] را به تفصیل بیان می‌کنیم، و باشد که آنان [به‌سوی حق] بازگردند».

۲. «و اگر می‌خواستیم، قدر او را به‌وسیله آن [آیات] بالا می‌بردیم، اما او به زمین [دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد. از این‌رو داستانش چون داستان سگ است [که] اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد، و اگر آن را رها کنی [باز هم] زبان از کام برآورد. این، مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس

آیه نوعی آسیب‌شناسی است؛ انسان در صورت آلودگی باطنی و عدم تهذیب، باید منتظر تأثیر از شیاطین باشد. حرکت در مسیر هدایت به نهایت نمی‌رسد، مگر آنکه مردم مراقب خود و بندگی خالص خدای متعال باشند. در غیر این صورت به تدریج خودخواهی، جای بندگی و ولایت الله را می‌گیرد و شیطان فرصت می‌یابد که آنها را از مسیر درست منحرف کند. این هشدار در سیر نزول اهداف، بسیار معنادار و تذکر بیدارکننده‌ای است. نمونه عبرت‌آمیز این سقوط هولناک در بنی‌اسرائیل اتفاق افتاد؛ بلعم باعورا که مردی مستجاب‌الدعوه بود، به دلیل دنیاخواهی خود را به دستگاه فرعون فریاد زد و در صدد مقابله با موسی (ع) برآمد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۷۶۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۴۵).

تفکر اندیشه‌ورزی برای به‌دست آوردن واقعیات و کشف مجهولات است. در خواندن قصه‌ای که از بلعم باعورا گفته شد، برای اهل انکار نتیجه مطلوبی وجود دارد که با تفکر به‌دست می‌آید و می‌تواند آنها را از موضع انکار خارج کند؛

#### **بصیرت‌افزای عموم مشرکان و هدایت و رحمت به قوم ایمان‌ورز**

«... هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۰۳)

یکی از قابلیت‌های قرآن بینش‌افزایی است. در بصیرت خلاف واژه‌های رؤیت و نظر، علم و دانایی نهفته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۸۰). بصیرت نتیجه پیش آمدن شرایطی است که به انسان فرصت دهد پدیده‌ها را به‌خوبی مشاهده و واریسی کند. جمع آوردن واژه بصائر برای آن است که روشنگری قرآن ابعاد گوناگونی دارد و هیچ موضوع تاریک و مورد نیازی برای تشخیص حقیقت نیست، مگر آنکه درباره آن روشنگری اتفاق افتاده است. خطاب در این بخش (بینش‌افزایی) با منکران رسالت پیامبر (ص) است، آنها که مدعی بودند آیات قرآن تولید ذهن پیامبر است. دو هدف دیگر یعنی هدایت و رحمت، به مؤمنان اختصاص دارد. آیات قرآن به‌طور همزمان چند هدف را تعقیب می‌کنند؛ درباره عموم مشرکان و اهل شبهه، موجب روشنگری و بصیرت می‌شود، ولی درباره مؤمنان، هدایت و رحمت را به‌دنبال دارد؛ یعنی قوم

مؤمن با مشاهده مطالب بینش‌افزای قرآن و پاسخی که به اهل شبهه می‌دهد، تردیدها از دلشان زدوده می‌شود و به ابعاد جدیدی از حقیقت هدایت می‌رسند که رحمت الهی را برای آنها به ارمغان می‌آورد؛ زیرا ثمره ماندن بر سبیل هدایت، توجه رحمت ویژه‌ی خدایی به آنهاست.

هدایت و رحمت در این آیه تأکید مجددی بر هدف مذکور در آیه ۵۲ سوره اعراف محسوب می‌شود که تفصیل و جداسازی حقایق پیش چشم دیگران را، برای قوم مؤمن، هدایت و رحمت شمرد. در اینجا نیز ابراز می‌کند که نزول متناسب با روشنگری قرآن، موجب هدایت و رحمت الهی مؤمن می‌شود. پس گاه از راه تفصیل و تشریح حقایق، و زمانی با مطالب بینش‌افزا، هدایت و رحمت را متوجه مؤمنان کرده است.

#### هدایت به رشد

«يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا» (جن: ۲)<sup>۱</sup>

بیان هدف «هدایت به رشد» نشان می‌دهد که حقانیت قرآن را می‌توان از میزان رشدی ارزیابی کرد که در باورها و بینش افراد به پدیده‌ها ایجاد می‌کند. چنانکه موافق آیه، در گفتار جنیان این جنبه از هدایت برجسته شد.

در سیر نزول اولین باری است که قرآن به صراحت راهنمایی به هدف حقیقی زندگی و اهداف درست آفرینش را شامل غیرانسان‌ها کرده است. جنیان که موجوداتی پوشیده و رؤیت‌ناپذیرند، قرآن را کلامی عجیب می‌شمردند؛ گفتاری که مخاطب را به بلوغ عقلی و اعتقادی می‌رساند.

باید توجه داشت که در قرآن «رشد» در برابر «عی» استعمال شده است، همچون: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْعَيِّ» (بقره: ۲۵۶) و «وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا» (اعراف: ۱۴۶) هرچند برخی از لغویان یکی از معانی غوایت را ضلالت دانسته‌اند (رک: فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۴۵۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۱۴۰). اما غی هر نوع

۱. «قرآن مخاطبان را به راه رشد هدایت می‌کند. راهی که در آن بتوانند مقاصد زندگی را ببینند و در راه آنها حرکت کنند. پس (ما گروه جنیان) به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگاران قرار نخواهیم داد».

گمراهی نیست؛ شاهد آنکه قرآن ضلالت و غوایت را در کنار یکدیگر و به مثابه دو امر متفاوت آورده است (نجم: ۲۳). عرب به حفره‌ای که صیاد رویش را می‌پوشاند و با گذاشتن طعمه حیوانی را شکار می‌کند، المَعْوَاة می‌گوید (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۱۴۱). بنابراین غوایت گمراهی ناشی از تشخیص درست از غلط است. با توجه به اینکه رشد در برابر غوایت قرار دارد، می‌توان استنباط کرد که رشد، تشخیص درست هدف باشد؛ لذا در آیه هدایت در کنار رشد آمده و از زبان جنیان، قرآن کتابی معرفی شده است که به رشد هدایت می‌کند.

رشد به‌عنوان هدف نزول قرآن، در کمال هماهنگی با سیر نزول سوره‌هاست؛ شیطان در سوره‌های پیشین در نزول، سوگند خورده بود که انسان را از اهداف متعالی منحرف کند. غوایت به این معناست که افراد از راه صواب و رشد، با انحرافی که در مقاصدشان ایجاد می‌شود، منحرف شوند. در سوره ص: ۸۲؛ اعراف: ۱۴۶، ۱۷۵ و ۲۰۶، از این مقصود شوم شیطان و شیطان‌صفتان پرده برداشت. در سوره جن (نزول ۴۰) روشن شد که کار قرآن در مقابل برنامه غوایت از سوی ابلیس است و حتی جنیان به این هدف قرآن، با عبارت هدایت به رشد اعتراف دارند. بنابراین انتخاب هدایت به رشد، آن هم از زبان جنیان و در برابر آسیب ولایت شیطانی در جایی که نگرانی‌هایی از فریب‌دادن‌های شیطان مطرح است، کمال تناسب را با سیر نزول سوره‌ها دارد.

#### تواناسازی پیامبر در هشدار قومی گرفتار غفلت دیرینه

«تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ» (یس: ۵ - ۶)<sup>۱</sup>

غفلت از اهداف آفرینش و نقش و حضور سنن جاری در زندگی، عامل بزرگ معطل ماندن ظرفیت‌ها و شکوفا نشدن انسان‌هاست. غفلت‌زدایی جزو اولین اقدامات پیامبران محسوب می‌شود. سوره یس (نزول ۴۱) پس از سوره‌هایی مانند مدثر (نزول ۴)، اعلی (نزول ۸)، لیل (نزول ۹) و بسیاری سوره دیگر فرو آمده‌اند که وظیفه غفلت‌زدایی را پیگیری می‌کردند. تفاوت سوره یس در این است که رسالتش غفلت‌زدایی از اقوامی است که به دلیل تداوم فقدان بیم‌دهندگان در نسل‌های گذشته، غفلت رسوب کرده و بسیار عمیق و ماندگار شده است. رفع

۱. «قرآن از جانب آن عزیز مهربان نازل شده است، تا قومی را که پدرانشان بیم‌داده نشدند و در غفلت ماندند، بیم ده.»



این غفلت عمیق، نوعی خاص از زبان هشدار را می‌طلبد. آیه مذکور توضیح می‌دهد که رسالت سوره یس، توانا کردن پیامبر اکرم (ص) برای رفع چنین غفلتی از قوم قریشی اوست.

### انذار زنده‌دلان و اتمام حجت با کافران

«إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ؛ لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحَقِّقَ الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ» (یس: ۶۹ - ۷۰)<sup>۱</sup>

آیه فوق پاسخ خدای متعال به شبهه‌افکنی کژاندیشان، درباره شاعر بودن پیامبر (ص) است؛ این شبهه از زیبایی و دلربایی قرآن، بر افکار و احساسات مخاطبان برانگیخته شد. خدای متعال ضمن مردود شمردن شبهه مذکور، به سرّ جذابیت قرآن اشاره می‌کند. اول آنکه این متن با خواسته‌های درونی انسان هماهنگ است. مخاطب با خواندن آیات، از مطالبی ارتزاق معنوی می‌کند که به شدت به آنها نیاز داشته است؛ ثانیاً کلام به کار گرفته شده، روشنگر راه رهایی از شقاوت و وصول به سعادت خواهد بود.

این کیفیت بیان، یکی از دو هدف را پیگیری کرده است: هشدار بیدارکننده به کسانی که قلبشان زنده است و اتمام حجت با کسانی که به عمد و لجاجت، درک و احساسات خود را نادیده می‌گیرند و این حقایق را انکار می‌کنند؛

### ابزار پیامبر برای هشدار جهانیان در سایه قابلیت فرقانی قرآن

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان: ۱)<sup>۲</sup>

بر پایه بررسی‌های سیر نزولی، این آیه اولین جایی بوده که خداوند کلام الهی را فرقان نامیده است. قرآن در طول ۴۱ سوره نازل شده تا آن زمان، به تفکیک حق و باطل اقدام کرده بود؛ از این رو خدای متعال در زمانی که شاید کافران انتظار داشتند با شکست پیامبر، کار دعوت او را به آخر برسانند، از حقیقت دیگری پرده برداشت و توضیح داد که این سوره و سوره‌های نازل شده تاکنون، نه تنها ظرفیت تحول‌آفرینی و هشدار به مردم مکه را

۱. «... این [سخن] جز اندرز و قرآن روشن نیست. تا هر که را [دلی] زنده است، بیم دهد، و گفتار [خدا] درباره کافران محقق گردد».

۲. «بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد».

داشته‌اند، بلکه فارق حق و باطل هستند، به نحوی که پیامبر را قادر ساخته‌اند جهانیان را تحت تأثیر دعوت هشداری خود قرار دهد. از این رو، رسالت جهانی و گسترش امر دعوت وی به مرزهای عالم و گذر از محیط جغرافیایی مکه مسلّم است و انتظار شکست یا پایان دعوت آن حضرت در مکه توهمی بیش نیست.

خبر خدای متعال از فرصت جهانی که او از راه مضامین قرآن و به‌ویژه سوره فرقان در اختیار آن حضرت قرار می‌داد، یکی از راه‌های تقویت جان پیامبر در امر رسالت بود. در آیات پیشین، جنبه انذاری رسالت حضرت محمد (ص) و نقش قرآن در تحقق این مهم معلوم شد. در اینجا نقش فرقان بودن محتوا و گزاره‌های قرآن در توفیق پیامبر بر انذار، به خوبی تبیین شده است. همچنین روشن کرده است که محتوای فرقانی قرآن، در هشداردهندگی جهانی پیامبر (ص) تأثیر دارد؛

#### تثبیت قلب پیامبر و پاسخ به شبهات کافران؛ وسیله مجاهدت با آنها

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَمْ نُزَلْ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا. وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا» (فرقان: ۳۱ - ۳۲).<sup>۱</sup>

این دو آیه به‌طور تلویحی لایه‌هایی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کلام الهی را نشان می‌دهند. در قرآن محتوایی وجود دارد که پیامبر را برای باقی ماندن در مواضع به حقش تقویت می‌کند. چنین قابلیت‌هایی در قرآن در پرتو نزول تدریجی آن فراهم و پیامبر قادر شد در غیریت‌سازی گفتمان اسلام و کفر توفیق یابد و قدرت مقاومت در برابر کافران در وی بالاتر رود. این شیوه قرآن روشن می‌کند که رهبران مصلح باید برای تقویت مستمر قلوب خود در شرایط و شبهات و پیشامدها، آیات مرتبط و متناسب را مرور کنند تا در چالش‌ها ثبات قدم و قوت قلب بیابند؛

۱. و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟» این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم. و برای تو مثلی نیاوردند، مگر آنکه [ما] حق را با نیکوترین بیان برای تو آوردیم.

## بشارت متقین و هشدار قوم لجوج

«أَنَّمَا يُسَّرُّنَهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا» (مریم: ۹۸)<sup>۱</sup>

مضامین سوره مریم در دو جهت بشارت متقین به رحمت‌ها و الطاف کریمانه خدا و هشدار به قوم لجوج پیامبر، آکنده از مطالب مؤثر است.

بشارت مرحله پس از هدایت و توجه رحمت به گروه مؤمن است. در سیر نزول تا اینجا گروهی از مردم مکه از مخالفت با دعوت توحیدی پیامبر اجتناب کردند و تسلیم امر خدا شدند، آنها هشدارها و تذکرات را جدی گرفتند، در نتیجه شخصیت‌های متقی و خویش‌نمندان شدند. گروهی که بعدها در مدینه جامعه ایمانی را تشکیل دادند. این گروه ابتدا با هدایت و رحمت مواجه شدند، سپس با انجام دادن رفتار مطابق هدایت‌های قرآنی و الهی، زمینه خطاب‌های بشارت‌آمیز را فراهم کردند. بشارت‌های خاصی که نمونه‌هایی از عطای آن در دنیا و آخرت به اولیا، در سوره مریم گزارش شده است. در برابر این پذیرش، لجاجت عمومی مکیان از پذیرش دعوت مطرح است که کثرت آن را می‌توان از واژه قوم برداشت کرد. اینان هنوز در خانه اول هستند و تنها باید با زبان هشدار با آنها سخن گفت. هشدارهایی که در سیر نزول قرآن نوبه‌نو شده است تا بلکه از موضع مخالفت خارج شوند.

«لُدًّا» جمع آلد به معنای کسی است که به ناحق در امری دشمنی شدید می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۳۹) از این واژه تفاوت مراحل هشدارها روشن می‌شود؛ هشداری که در سوره‌های آغاز نزول مثل مدثر مطرح بود، هشدار ابتدایی بود که شامل تمام مردم و موجودات مختار می‌شد؛ اما این هشداری که در مقابل بشارت متقیان است، هشداری در میانه راه و مخاطبش کسانی هستند که هنوز در موضع انکار، لجاجت و تعصب بر گفتمان باطل ایستاده‌اند. بشارت متقین نیز به کسانی اشاره دارد که تمام اهداف قرآن تا اینجا درباره آنها محقق شده است. این گروه با پذیرش ربوبیت خدا و تسلیم در برابر او، بر پایه تقوای

۱. «در حقیقت، ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید، و مردم ستیزه‌جو را بدان بیم دهی».

الهی رشد کرده‌اند و مشمول هدایت‌های قرآن شده‌اند و جا دارد به بشارت‌های قرآنی درباره توجّه رحمت رحیمیه و ویژه الهی تشویق شوند. از این رو تناسب ترکیب بشارت و هشدار در سوره‌ای که نزولش در رتبه ۴۴ است، معلوم می‌شود.

### زمینه‌سازی متقی شدن مردم و یا ایجاد یادآوری به آنها

«كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا» (طه: ۱۱۳)<sup>۱</sup>

دو هدف ایجاد تقوی و پدیدار شدن ذکر، از جمله اهدافی هستند که قرآن بین مردم مشرک پیگیری می‌کند. رسالت قرآن تربیت است و تربیت با خویشنداری و تقوا آغاز می‌شود. خدای حکیم می‌فرماید: روشنی و صراحتِ الفاظ و عبارات قرآن و وجود پاره‌ای هشدارها و بیم‌ها در این کتاب، به هدف ایجاد دو اثر در مردم است: ۱. حالت خویشنداری و پرهیز برای گروهی که این توجّه، موجب ظهور پرهیزکاری در آنها نشده است تا به مرحله عزم و اراده قدم گذارند؛ ۲. حالت تذکر برای کسانی است که به خواست‌های واقعی و داشته‌های درونی خود توجّه ندارند. با عنایت به محتوای سوره طه و ماجراهای حضرت موسی و هارون (ع) با پادشاه مستکبر مصر و نیز بیان نقش قرآن در تذکر اهل خشیت، روشن می‌شود که مراد از تقوا در آیه مورد بحث خویشنداری از مخالفت با خدای باعظمت است. تقوا از خداوند و نیز درک عظمت الهی و ایجاد روح خشیت، سرآمد کمالات انسان به‌شمار می‌آید که در این سوره به آن اشاره شده است.

### ابزار توانا ساختن پیامبر برای هشدار با زبانی فصیح

«إِنَّهُ لَكَنَزِيلٌ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ. بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعراء: ۱۹۲ - ۱۹۵).<sup>۲</sup>

۱. «و این‌گونه آن را [به‌صورت] قرآن عربی نازل کردیم، و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم، شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند، یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد.»

۲. «قطعاً قرآن فروفرستاده پروردگار جهانیان است. رُوحُ الامین یعنی جبرئیل آن را بر دل تو فرود آورد. تا از

انذار و هشدار چهره اصلی رسالت رسولان است؛ زیرا انسان به وسیله خواست‌ها و غرایز طبیعی و متأثر از خانواده و اجتماع، راهی را می‌رود که به‌طور غالب در شاهراه سعادت حقیقی نیست؛ چون چشم‌انداز و میدان دید محدود انسان‌ها نسبت به ساحت‌های حیات و سنن جاری در آغاز و انجام هستی مانع از آن است که عرف اجتماعی و مرسومات خانوادگی، به‌تنهایی سعادت حقیقی و کامل انسان را تشخیص دهند. کار بزرگ انبیا، هشدار مردم از اشتغال به آبادانی دنیا و اکتفا به رفع آلام دنیا و تحصیل لذت‌های این جهانی است. تأکید روی چهره انذاری رسول‌الله (ص) در سوره شعراء (که درباره مکیان مکذب است) به همین جهت بوده است.

بررسی آیات و سوره‌ها در ترتیب نزول، این حقیقت را آشکار می‌کند که چهره اصلی تبلیغ پیامبر تاکنون انذاری بوده است. در سوره‌های مدثر: ۲ و ۳۶؛ لیل: ۱۴؛ نجم: ۵۶؛ ق: ۲؛ قمر: ۵، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۹ و ۴۱؛ ص: ۶۵ و ۷۰؛ اعراف: ۲، ۶۳، ۶۹، ۱۸۲ و ۱۸۸؛ یس: ۶، ۱۰، ۱۱، ۷۰؛ فرقان: ۱، ۷، ۵۶ - ۵۹؛ فاطر: ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۳۷ و ۴۲ به هشدار دهندگی رسول‌الله (ص) و قرآن، و حتی چهره انذاری انبیای دیگر تصریح می‌شود. بله! در چند مورد نیز از بشارت یاد شده است. در غالب این موارد بشارت در کنار انذار یا نتیجه پذیرش انذارها آمده است: در سوره‌های اعراف: ۱۸۸ و یس: ۱۱؛ فرقان: ۵۶؛ فاطر: ۴۲؛ مریم: ۹۷ به این حقیقت اشاره شده است. در آیات سوره شعراء به تبیین نقش قرآن در تواناسازی پیامبر (ص) درباره این وظیفه مهم اشاره می‌کند و آن را یکی از اهداف نزول قرآن می‌شمرد.

نکته ویژه در آیه، تأکید بر نقش قرآن در رسا و روشن کردن هشدارهاست. قرآن با بیان رسا و روشن، انواع خطرانی که انسان را در دنیا و آخرت تهدید می‌کند و علل و انگیزه‌های آنها را مطرح و مددکار پیامبر در هشدار همه مردم اعم از مشرک و کافر و منافق و مؤمن ضعیف‌الایمان و زن و مرد و فرد و جامعه و عام و خاص است؛

### هدایت و بشارت مؤمنانی با سه ویژگی اقامه نماز، پرداخت زکات و یقین به آخرت

«طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٍ مُّبِينٍ \* هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ \* الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (نمل: ۱ - ۳)<sup>۱</sup>

پیش‌تر در سوره مریم: ۹۷ مبشر بودن پیامبر به مؤمنان به عنوان هدف سوره مریم ذکر شده بود؛ در آنجا مؤمنان متقی که از خدا و رستخیز تقوا داشتند، موضوع بشارت بودند؛ اما در سوره نمل بشارت درباره مؤمنانی است که سه ویژگی اقامه نماز و اعطای زکات و یقین به آخرت را دارند.

مضامین داستان‌های سوره که بخشی از ماجراهای موسی، داوود و ملکه سبا، قوم ثمود و لوط را گزارش داده است، بخشی از اختلاف‌های بنی‌اسرائیل را درباره ماجراهای اقوام یاد شده مرتفع می‌کند. قرآن در این داستان‌ها هدایت و توجه رحمت خدا به مؤمنان را پیگیری کرده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ؛ وَ إِنَّهُ لَهْدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (آیه ۷۶ و ۷۷).<sup>۲</sup>

در گفته‌های کافران و مذکور در این سوره ادعا شد که سخنان پیامبر (ص) درباره رستخیز، خرافه و اباطیل گذشتگان است. خدای حکیم به جایگاه و نقش محتویات قرآن اشاره می‌فرماید و توضیح می‌دهد که این کلام، تکرار خرافه‌ها و اباطیل نیست؛ شاهد آنکه در اختلاف میان یهودیان و مسیحیان، داور است. مطالعه تطبیقی بین محتویات مطالب کتب عهد عتیق و جدید درباره برخی حوادث مثل جریان آغاز رسالت موسی (ع) (رک: سفر خروج فصل سوم) ماجرای ملاقات ملکه سبا با حضرت سلیمان (ع) (رک: کتاب پادشاهان فصل ۱۰ و کتاب تواریخ فصل ۹) داستان کیفیت هلاکت زن حضرت لوط (ع) (رک: سفر پیدایش، فصل ۱۹) بیانگر کیفیت متفاوت بیان داستان‌های انبیا به شرحی است که

۱. «طا، سین. این است آیات قرآن و [آیات] کتابی روشنگر، که [مایه] هدایت و بشارت برای مؤمنان است. همانان که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و خود به آخرت یقین دارند».

۲. «بی‌گمان، این قرآن بر فرزندان اسرائیل بیشتر آنچه را که آنان درباره‌اش اختلاف دارند حکایت می‌کند. و به‌راستی که آن، رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است».

تعارض‌های درونی پیراسته و انبیا را از نسبت‌های نادرست مبرا و سازمان هماهنگ معارف دینی را تضمین می‌کند.

این متن خواندنی تنها یک هدف ندارد. اهداف قرآن چندلایه است. در همان حالی که درباره حکایت‌ها و معارف و دستورات مورد اختلاف بنی‌اسرائیل داوری می‌کند، سبب هدایت و موجب رحمت گروه باورمند خواهد بود؛ و او عطف و استفاده از ضمیر در «آن» شاهد این برداشت است.

### پند گرفتن مشرکان از راه ارسال پیوسته قرآن

«وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص: ۵۱)<sup>۱</sup>

در سوره قصص به یکی از اهداف قرآن، یعنی پند گرفتن مشرکان توجه شده است؛ پندی که با نزول پی‌درپی سوره‌ها پیگیری و در تمام آنها نشان داده شده است که جریان باطل مضمحل، و جریان حق به‌رغم همه مشکلات، سرفراز خواهد شد. پند دادن به مشرکان تا زمان اتمام حجت با آنها، از مهم‌ترین برنامه‌های قرآن در طول نزول در مکه به‌شمار می‌آید. پروردگار متعال نزول پی‌درپی آیات قرآن را، به‌عنوان راهی برای تذکر و پندپذیری کافران مکی می‌شمرد. فلسفه یادآوری این هدف در سوره قصص آن است که نقش پیوستگی نزول قرآن در شاداب نگه‌داشتن تذکر و پند را نمایان کند و اینکه تا این زمان، از تذکرپذیری آنها یأس حاصل نشده است. از این‌رو بیان هدف در این مقطع حکیمانه است؛

### بشارت برای مؤمنان از راه بیان پاداش بزرگ و تهدید ناباوران به رستاخیز

«انَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَغْتَابًا لَّهُمْ» (اسراء: ۹ - ۱۰)<sup>۲</sup>

۱. «بر قوم کافر مکی پی‌درپی آیات قرآن خود را فرود آوردیم و این گفتار پی‌درپی در قالب ۴۸ سوره بر آنها فرود آمد تا شاید این‌ها متذکر فریادهای خاموش‌شده در درونشان شوند و به آنها پاسخ مثبت دهند».

۲. «قطعاً این قرآن به [آیینی] که پایدارتر است، راه می‌نماید، و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند، مزده

در زمان نزول سوره اسراء، مؤمنان گروهی کم‌تعداد در مکه هستند و برای علنی شدن، نیاز به تقویت و انگیزه دارند. هدف سوره استفاده از عامل ایمان مؤمنان به رستاخیز برای ایجاد انگیزه اتکال بر خداست. با توجه به این ایمان می‌توان به پاداش آن روز بشارت داد و برای پذیرش هزینه ایمان در شرایط دلهره‌انگیز مکه ایشان را آماده کرد. چنانکه ناباوران به رستاخیز را تنها می‌توان با هشدار برای خروج از غفلت و تغافل بیدار کرد. این دو هدف نشان می‌دهد که برای تقویت توکل مؤمنان به خدا، باز کردن نگاه‌ها به حوادث پس از رستاخیز و نعمت‌های ذخیره‌شده نقش مهمی دارد.

آیه در باب تناسب و در عین حال تفاوت محتویات قرآن با کتاب موسی و دیگر کتب یهود (که در آیات ابتدایی سوره از آنها یاد شد) تذکری را دربر دارد؛ به این معنا که گرچه هدف از نزول کتب آسمانی هدایت مردم و بشارت و انذار مخاطبان است؛ قرآن در این زمینه سهم مهم‌تری دارد، و آنچه درباره هدایتگری تورات درباره توکل بر خدا و نفی اعتماد بر غیرخدا و از تهدیدها و بشارت‌ها سخن آمده، در قرآن به‌نحو کامل‌تر و جامع‌تری بیان شده است.

مطالبی که در سوره اسراء درباره هدایتگری تورات گفته شد، به شیوه استوارتر و پابرجاتر در قرآن وجود دارد و این کتاب به راه یا روشی که استواری بیشتری به مخاطبان می‌دهد، رهنمون می‌کند. به‌طور مثال اگر خلاصه تعالیم تورات در منع از اعتماد بر غیرخداست، در این کتاب توضیحات رساتر از طریق بیان تجارب امت‌ها و تأکید بر فرجام‌های دنیوی، اخروی و حکمت‌های عمیق‌تری متناسب با رشد توانایی‌ها و ظرفیت‌های شکوفاشده انسان‌ها، در اختیار مخاطبان می‌گذارد. همچنانکه مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می‌دهند، به اختصاص پاداش بزرگ بشارت می‌دهد. این بشارت تنها از طریق جنبه مثبت ایمان و اعمال صالح به آنها داده نمی‌شود، بلکه به این افراد مژده



می دهد که برای کسانی که به آخرت ایمان ندارند، عذاب دردناکی آماده کرده ایم. گرچه برخی از کافران به رستاخیز به ظاهر دنیایی بهتر و بهره مندتر و شیرین تر دارند و برای رسیدن به لذت ها و کامیابی ها از مرزهای بندگی خدا خارج شوند و گاه و بیگاه مؤمنان را به دلیل باورهای نورانی مورد شماتت قرار دهند، اما مؤمنان صالح العمل از طریق رهنمودهای قرآن، بشارت می یابند که این مواهب زودگذر، پایان خوشی ندارند و خوشحال هستند که همراه این مغروران کافر نیستند. ایشان در پرتو هدایت های قرآن چنان رشد یافته و پابرجا می شوند که لذت های اهل کفر را لذت نمی شمردند و آزارهای آنان را تحمل می کنند؛

#### موعظه مردم، شفای دردهای معنوی سینه ها، هدایت و رحمت برای مؤمنان

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ\*  
 قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۷ - ۵۸)<sup>۱</sup>

خطاب آیه به عموم مردم است. توجه به این نکته ضروری خواهد بود که خدای متعال در این آیه به نقش ایمان در هدایت اشاره کرده است؛ زیرا افراد بی ایمان، دلبستگی ای به خدا و رسول و کتاب او ندارند و بالطبع، توصیه های ایشان را جدی نمی گیرند. درباره نقش این کتاب در نرم کردن دل ها و درمان دردهای معنوی مثل شرک، جهالت و غفلت، بر عدم کفر تأکید شده است. به عبارت دیگر اگر انسان، در برابر آن موضع منفی نداشته باشد، در این صورت آثار مذکور برای مستمعش پدید می آید.

بازگشت خدای متعال به مخاطبان مؤمن به طور مطلق و ترک ذکر ویژگی هایی که در

۱. «خدا به سبب قرآن و پندهای نرم کننده دل و درمان های شفابخشی که برای شما دارد، به شما تفضل کرد. و نیز به سبب هدایت و تحول باطن مؤمنان و نورانی کردن آنها از طریق این کلام رحمت خود را متوجهشان کرد. اگر بناست دچار سرمستی شوند، باید به این کلام نورانی که چنین تأثیراتی دارد، سرمست شوند. نعمت به دست آمده از این کلام قابل مقایسه با آنچه فرزندان دنیا و غیرباورمندان به قرآن از ثروت های مادی، فکری، علمی و فرهنگی و دیگر دارایی ها جمع می کنند، نیست. ثروت و دارایی به دست آمده از راه این کلام که موجب تحولات عظیمی در زندگی باورمندان به این کلام است، بهتر از دارایی های به دست آمده برای غیرباورمندان به قرآن است.»

سوره نمل گفته آمد، بیانگر این مطلب است که موعظه‌گری و درمان در موارد مشترک میان عموم مردم و مؤمنان از نوع مسائلی است که مطلق ایمان و باور به پروردگار و قرآن و رسول و رستخیز در آن کفایت می‌کند و آثار عملی ایمان مثل اقامه نماز و پرداخت زکات در بهره‌گیری از این هدف دخالتی ندارد.

در اینجا به هدف دوجانبه قرآن توجه شده است؛ عموم مردم پیش از پاسخ مثبت به دعوت دین، دچار انواع طغیان هستند. ادبیات ویژه قرآن به گونه‌ای است که توان قانع کردن انسان‌ها را برای دست شستن از سرکشی‌ها دارد و انواع بیماری‌هایی را که مانع از تحرک مثبت انسان به سمت بندگی و ایمان هستند را مرتفع می‌کند؛

#### تذکر مؤمنان، تثبیت قلب پیامبر و موعظه عموم مردم

«و كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (هود: ۱۲۰)<sup>۱</sup>

سوره هود در اواخر دوره اول دعوت پیامبر در مکه نازل شد که مؤمنان ناشناخته و در حال تقیه بودند. در این شرایط جامعه تک‌قطبی و گفتمان رایج آن شرک و جاهلیت بود. خدای متعال در شرایطی که معاندان برای مخالفت با گفتمان قرآنی و رسالت پیامبر دست به هر کاری می‌زدند، سوره را نازل فرمود تا بی‌منطقی کافران را در مخالفت‌هایی که با مضامین قرآن و رسول خدا (ص) داشتند، تشریح کند. سه هدف مطرح شده برای قرآن متوجه سه دسته از مردم است: مؤمنان تا متذکر شوند که حقیقت در مواضع پیامبر بوده و اتهامات دشمنان نارواست؛ پیامبر، تا در فضای پرفشار با هدایت‌های الهی دلگرم و پاسخ‌های لازم را درباره شبهه‌افکنی‌های مشرکان در اختیار داشته باشد؛ عموم مردم که با میدان دادن به غضب، جهالت و عصیبت، عقل را از شنیدن و دیدن حقیقت محروم

۱. «و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم، و البته در این داستان‌ها برای تو حقیقت ماجرای انبیا آمده است، و همین داستان‌ها برای مؤمنان موعظه و یادآوری است.»

کرده‌اند. سوره هود در هشدار و تهدید و عبرت‌ها، این گروه را به آرام کردن جان و دل از طوفان غضب و شهوت دعوت می‌کند؛

### هدایت و رحمت برای مؤمنان

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف: ۱۱۱)<sup>۱</sup>

در این سوره، داستان یوسف (ع) و برادرانش آمده است. موافق این سوره با وجود حسادت و کینه‌ای که برادران یوسف علیه او به خرج دادند و به‌رغم میل آنها، خدای متعال روز به روز بر شوکت یوسف افزود و او را که فردی محسن بود، از خطرات رها کرد تا آنکه به مقام وزارت مصر رساند و برادران به مقام بزرگی و شوکت یوسف (ع) اعتراف کردند و در برابر او به خاک افتادند.

این سوره خطاب به مؤمنان است؛ مؤمنانی که چون یوسف قدرشان مجهول و به‌جای تکریم، با فشار از سوی نزدیکان خود مواجه هستند. در این شرایط هدف هدایت و رحمت تکرار می‌شود که کاملاً با مضامین و اهداف سوره، تناسب دارد و روشن می‌کند که در سیر داستان یوسف، این هدف کلان قرآن تأمین شده است.

عبرت‌آموزی خردمندان، یکی از اهداف نزول قصه برادران یوسف در این سوره است. هدایت‌کنندگی داستان از آن جنبه بوده که جامعه مؤمنان را از گرفتار آمدن در دام حسادت و تضعیف همبستگی همدیگر مانع می‌شود و آنها را به تقوی و تحمل حسادت و جهالت برادران و افراد عشیره مشرک خود راهنمایی می‌کند.

رحمت بودن این داستان از آن جهت است که به مؤمنان بشارت می‌دهد با وجود همه توطئه‌هایی که از افراد عشیره خود خواهند دید و احیاناً مهاجرت و تبعیدی که با آن

۱. «به‌راستی در سرگذشت یوسف و برادرانش، برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه [تورات] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.»

مواجه خواهند شد، بالأخره دوره سختی و فراق به سر خواهد آمد و مؤمنان جایگاه شایسته خود را پیدا و مکیان به این شرافت اعتراف خواهند کرد، چنانکه درباره یوسف (ع) چنین شد.

### ثمرات و دستاوردهای تربیتی و تحولی

بررسی‌ها نشان داد که در مرحله اول تحول جامعه پیامبر دعوت خود را با نزول سوره علق آشکار کرده بود، اما این مؤمنان بودند که خود را به جامعه مشرک مکی نمایان نمی‌کردند و زیر پوست شهر در حال رشد دانه‌ای - « و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطئه؛ و مثال آنها در انجیل همانند زراعتی است که جوانه‌اش را بیرون آورده» (فتح: ۲۹) - بوده‌اند تا آنکه با نزول آیه ۹۴ سوره حجر یعنی پنجاه و چهارمین سوره نازل شده در مکه، در فضای این شهر همچون جوانه‌ای سر برآورده از زمین - «کزرع اخرج شطئه» فتح: ۲۹ - نمایان شدند. در این دوره از دعوت اسلامی به ترتیب پانزده هدف ذیل برای قرآن شمرده شد: تذکر، هشدار، تدبیر، هدایت و رحمت، زمینه‌ساز بازگشت از راه اشتباه، زمینه‌سازی تفکر، بصیرت‌افزایی، تثبیت قلب پیامبر، بشارت، زمینه‌سازی تقوا، رفع اختلاف‌ها، تهدید، موعظه و در نهایت شفای دردهای سینه.

موافق سیر نزول، آیات مرحله اول تحول مردم، ابتدا با بیان تناسب محتوای قرآن با فریادهای درونی و نیازهای ذاتی مردم گره می‌خورد. ابتدا باید به آنها تفهیم کرد که خواست ذاتی شما که کمال، رستگاری از شقاوت و رسیدن به سعادت است، از راه این کتاب تأمین می‌شود و اصولاً تنها هدف و کارآمدی این کتاب را در همین مورد منحصر می‌کند (قلم ۲: ۵۲) سپس باید مردم را حرکت داد و از ماندن در وضع موجود که موجب گرفتار شدن در شقاوت است، برحذر داشت: (مدثر: ۳۵ - ۳۷).

اختیار مردم موجب دو برخورد متفاوت با پدیده تحول‌طلبی و تغییر می‌شود؛ گروهی مقاومت و گروهی همراه دعوت می‌شوند. ای بسا اهل مقاومت بیشتر باشند. از این مرحله به بعد اهداف قرآن دو مسیر متفاوت را پی گرفته است؛ گفت‌وگو از اهداف درباره کسانی

که در برابر این دو هدف قرآن، واکنش منفی نشان می‌دادند. گفت‌وگو درباره اهداف با مؤمنانی که به دو اقدام گذشته واکنش مثبت نشان داده‌اند.

درباره کسانی که در برابر دو برنامه تذکر و هشدار موضع منفی نشان داده‌اند، چه اقداماتی باید صورت داد؟ مطابق آیات اهداف قرآن درباره این گروه چاره‌ای جز تلاش مکرر و از زاویه‌های مختلف برای متذکر شدن و هشدار آنها وجود ندارد. باید تلاش کرد تا به هر شکل ممکن، این گروه را از مسیر انحطاط و شقاوت خارج یا دستکم با آنها اتمام حجت کرد. از این رو پس از تذکر و هشدار درباره این گروه، شاهد بیان اهدافی چون: زمینه‌سازی برای تدبیر، تلاش برای بازگشت از مسیر اشتباه، زمینه‌سازی شکوفایی تفکر آنها، تلاش برای روشن‌بینی آنها، پند دادن پیوسته و مکرر آنها، هشدار در سایه جنبه‌های فرقانی قرآن، هشدار در مورد ناباوری به رستاخیز، موعظه و شفای عمومی هستیم. با این اقدامات، انتظار می‌رود تا برخی از این گروه به تذکر و خویشنداری روی آورند یا حداقل با آنها اتمام حجت شود.

خدای متعال با مؤمنانی که از دو هدف گذشته تأثیر پذیرفته‌اند، از اهداف قرآنی دیگری به ترتیب نزول یاد می‌کند: هدایت و رحمت برای مؤمنان، دریافت هدایت و رحمت از آیاتی که برای بصیرت‌گیری مشرکان نازل شده بود، هدایت به رشد و دستیابی به هدف‌های اساسی انسان، بشارت به متقیان، هدایت مؤمنانی با سه ویژگی اقامه نماز، پرداخت زکات و یقین به آخرت، هدایت و رحمت از راه بیان آیاتی که هدفش در مرحله اول رفع اختلاف‌های بنی اسرائیل بود، بشارت آنها به پاداش بزرگ رستاخیز، هدایت و رحمت در آیاتی که هدفش موعظه و شفای بیماری‌های درونی عموم مردم بود و موعظه و پند مستقیم مؤمنان، و در نهایت هدایت و رحمت از داستان یوسف که اطمینان به سرفرازی مسلمانان را نمایان می‌کرد، هرچند اقوام نزدیک و افراد دور، برای سقوط و هزیمت مؤمنان تلاش کنند و توطئه بچینند.

این‌گونه تبیین اهداف، ضمن آنکه مریبان و مصلحان دینی را با اجمالی از جهتگیری‌های مضامین قرآن در سور نازل شده در مرحله اول آشنا می‌کند، روشن خواهد

کرد که از کجا باید تحول مردم را شروع کرد و در چه خط سیری حرکت داد. در کجا باید به طور مستقیم برای تحولشان تدبیر کنند و در کجا از راه نقد و پاسخ به شبهات و با زبان تذکر و هشدار و روشنگری دیگران، برای مؤمنان برنامه تحول را تدبیر کرد.

مطابق آیات اهداف، قرآن کلامی محسوب نمی‌شود که تنها باید از سوی مردم دیده و خوانده شود، بلکه این کتاب، راهبر رهبران و داعیان الی الله است تا بتوانند بر عموم مردم و افراد غافل و جاهل یا مؤمن و صالح اثرگذار باشند؛ از این رو بخشی از اهداف این مقطع به توانا ساختن پیامبر در امر تبلیغ و تربیت مردم یا حتی تربیت خود آنها معطوف شده است. در مرحله اول از هشت مورد این اهداف سخن گفته شده و قرآن به ترتیب ابزار پیامبر برای این موارد دانسته است: تذکر به افراد ترسنده از تهدیدها، هشدار به عموم مردم و تذکر به مؤمنان، هشدار به قوم گرفتار غفلت دیرینه، هشدار جهانیان با توجه به خاصیت فرقانی قرآن، تثبیت قلب پیامبر در برابر شبهات کافران و تواناسازی وی برای مجاهدت علمی با آنها، ابزار پیامبر برای بشارت به متقیان و هشدار قوم لجوج، هشدار مردم با زبانی رسا و فصیح و بالأخره تثبیت قلب پیامبر در برابر مشکلات دعوت مردم. تعیین این اهداف برای پیامبر اکرم (ص) دقیقاً متناسب با مسیر تحول و واکنش‌های مثبت یا منفی مخاطبان همراه یا معارض قرآن صورت گرفته است.

بنابراین قرآن بر رهبران دینی از دو ناحیه تأثیر دارد: اول خود آنها که در برابر مشکلات و معضلات دعوت منفعل نشوند و با ثبات قلب و قدم، به امر دعوت ادامه دهند؛ دوم توانا کردن آنها در تربیت همراهان و مبارزه و پاسخ به مشکلات پیش آمده از سوی مخالفان.

### نتیجه‌گیری

بر پایه بررسی آیات اهداف قرآن که به دوره ابتدای ظهور اسلام و تشکیل گروه مؤمنان مربوط است، استفاده می‌شود که تحول مردم، از توجه دادن آنها به هماهنگی جریان تحول با خواست‌های ذاتی و نیازهای فطری ایشان آغاز می‌شود. به جهت انس مردم با بینش‌ها، باورها و رسوم رسوب یافته، مردم دو دسته خواهند شد: اکثریت قاطعی که در برابر تحول مقاومت می‌کنند و اندکی که با تحول همراه می‌شوند.

در اینجا دو جریان شکل می‌گیرد: ۱. گروهی که در برابر تحولات مقاومت می‌کنند با زبان هشدار و عبرت و با دسته‌بندی به اهل خردورزان و غیر آنها، باید از هر روزنه‌ای برای ایجاد انعطاف و نرمش آنها استفاده کرد و گاه به شکل فردی و گاه درباره قوم، تدابیری به خرج داد تا گستره این جریان تقلیل یابد. اهداف قرآن در مرحله اول نزول بر این موارد تأکید کرده است؛ ۲. گروهی که با تحولات همراهی می‌کنند. این گروه را پس از شناسایی باید زیر بال تربیت قرار داد؛ بعد از پذیرش دغدغه‌ها و واکنش مثبت در برابر دعوت دینی، برنامه‌های هدایت و رشد به اهداف را برای آنها اجرا کرد و منتظر همراهی جریان مقاوم در برابر تغییر نماند. در این گروه باید امید و شوق و اطمینان خاطر درباره رسیدن به اهداف و آرمان‌ها را ایجاد کرد، با پاسخ به شبهات و اشکال‌های جریان مخالف، دل گروه همراه را تقویت کرد و در مواجهه با معارضات و شبهات آنها، به جنبه اطمینان‌بخشی این گروه توجه داشت.

در کنار این، مجریان اصلی برنامه تحول باید برای پیگیری اهداف خود ابزار مناسبی داشته باشند؛ چنانکه قرآن خود را این وسیله مهم برای پیامبر اکرم (ص) دانسته است. باید از عبرت‌های تاریخی و سنت‌های حاکم بر جوامع بشری آگاه باشند؛ مطمئن به پیروزی خود در اثر مقاومت و شکیبایی باشند؛ پاداش‌های قطعی الهی را به مجاهدت خود یادآور باشند؛ خود را همگام دیگر مصلحان و مجریان تحول بدانند و سنت‌های مربوط به ظفر و پیروزی را درباره آنها مشق کنند.

## کتابنامه

- قرآن مجید.

۱. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، چ سوم، بیروت: دارالفکر.
۲. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۰). *همگام با وحی؛ تفسیر تنزیلی*، جلد ۱، چ اول، قم: تمهید.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *همگام با وحی؛ تفسیر تنزیلی*، جلد ۲، چ اول، قم: تمهید.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ الف). *همگام با وحی؛ تفسیر تنزیلی*، جلد ۵، چ اول، قم: تمهید.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ ب). *شناختنامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم*، چ اول، قم: تمهید.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۹ ق). *المفردات فی غریب القرآن*، مصحح صفوان عدنان داوودی، چ اول، بیروت و دمشق: دارالعلم و دارالشامیه.
۷. رشاد، علی اکبر (۱۳۹۶). *دانشنامه علوم قرآن*، مدخل اهداف قرآن، چ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر (۱۴۱۴ ق). *الدر المنثور فی تفسیر القرآن*، چ اول، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، چ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*، چ دوم، قم: نشر هجرت.



۱۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.